



ادبیات داستانی بستری برای انعکاس تجربه‌ها

پای صحبت حمیدرضا شاه‌آبادی، مدیر عامل انتشارات مدرسه برهان

شاره

«داستان‌خوانی، قوه‌ی تخیل بچه‌ها را پرورش می‌دهد؛ قوه‌ی تخیل می‌تواند پایه و اساس همه‌ی فعالیت‌های درسی بچه‌ها باشد. ما می‌توانیم از پرورش قوه‌ی تخیل کودکان بیشترین استفاده را بکنیم. ادبیات داستانی و خواندن داستان؛ بستری برای انتقال تجربه‌های زندگی و بهترین راه برای مواجه شدن فرزندانمان با واقعیت‌های زندگی است. از این رو، جایگزین کردن پیک‌های نوروزی دانش‌آموزان با طرح «عید و داستان»، که امسال در نوروز اجرا شد، کار مفید و خجسته‌ای است که اگر ادامه یابد و به مرور به تکلیف درسی تازه‌ای تبدیل نشود و با آموزش‌های لازم و بسترسازی مناسب هم اجرا شود بسیار ارزشمند خواهد بود.»

نوروز ۱۳۹۷ جایگزین پیک‌های نوروزی دانش‌آموزان شد، چگونه می‌بینید؟ ویژگی‌ها و نکات مثبت و همچنین مشکلات و آسیب‌های احتمالی اجرای آن را چه می‌دانید؟ من قطعاً این تصمیم را یک اتفاق خجسته می‌دانم. احساس می‌کنم شرایطی فراهم شده است برای اینکه ما بتوانیم رفتار صحیح‌تری را جایگزین آنچه که تا به امروز در ایام عید نوروز رخ می‌داده است، بکنیم. سال گذشته، سال تولد این طرح بود. این اتفاق کمی نبود و باید آن را به فال نیک گرفت و فرصت داد تا شکل مناسبی بگیرد. اگر معتقدیم مطابق مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، داعیه‌دار پرورش فکری و روحی فرزندان خود هستیم و اگر اعتقاد داریم که صرفاً آموزش و ارائه

عبارات و جملات بالا، شاه‌بیت مطالب و محورهای اصلی سخنان و دیدگاه‌های آقای حمیدرضا شاه‌آبادی، اولاً به‌عنوان یک نویسنده و ثانیاً به‌عنوان مدیر عامل انتشارات مدرسه است که در گفت‌وگو با «رشد جوانه» عنوان کرد.

وی در این گفت‌وگو، ضمن بیان نظرات، مواضع و تحلیل خود از برنامه حذف پیک‌های نوروزی و جایگزینی آن با طرح «عید و داستان»، از جزئیات طرحی که به معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش نیز ارائه کرده است، سخن گفت. شما را به مطالعه متن کامل گفت‌وگو دعوت می‌کنیم.

◀ شما از نظر محتوایی، طرح «عید و داستان» را که در

یک رشته اطلاعات و مفاهیم هدف آموزش و پرورش نیست، بهره‌گیری از کتاب برای انتقال مفاهیم و پیام‌های فکری و پرورشی و افزایش مهارت‌های روحی و توانایی‌های دانش‌آموزان، بسیار مهم است و در تعطیلات عید نوروز می‌توانیم به شکل غیررسمی، به پرورش روحی فرزندانمان پردازیم. شما بهتر می‌دانید که به هر صورت در مدارس ما، ساعات درسی فشرده هستند و محتوای درسی هم گاهی اوقات با حجم زیادی که دارند امکان فعالیت‌های خاصی را که در حوزه آموزش غیررسمی قرار می‌گیرند، از دانش‌آموز سلب می‌کنند. ایام تعطیلات نوروز و در واقع ۱۵ روز اول فروردین ماه، فرصت خوبی است برای اینکه ما بتوانیم فعالیت‌های غیررسمی آموزشی را شکل بدهیم و برنامه‌هایی را طراحی کنیم که در حوزه پرورش افکار دانش‌آموزان است و می‌تواند توانایی‌ها و مهارت‌های ذهنی آنان را افزایش دهد. بنابراین، حذف پیک‌های نوروزی که به نوعی، همان آموزش رسمی را انعکاس می‌دادند، و جایگزین کردن آن با موضوع خوبی مثل داستان‌خوانی و داستان‌نویسی به نظرم اتفاق بسیار خجسته‌ای است که باید به فال نیک گرفت و از آن حداکثر استفاده را کرد.

◀ **به نظر شما، آیا نباید برای اجرای این طرح، ابتدا بستر و زمینه آن در مدارس و در ارتباط با دروس مرتبط مانند فارسی فراهم می‌شد؟**

صد درصد؛ این نیاز بود و هست. گمان می‌کنم ایده زمانی می‌تواند موفق باشد که حداقل ما از مدتی پیش در مدرسه، برای آن زمینه‌سازی کرده و با برگزاری برنامه‌های خاصی، توجه بچه‌ها را به آن جلب کرده باشیم، سپس رفتارهای منتج از آن را در تعطیلات عید انتظار بکشیم. در تعطیلات عید، بچه‌ها به سفر می‌روند، به خانه اقوام می‌روند، به دید و بازدید آشنایان می‌روند، و برایشان این امکان فراهم می‌شود که بتوانند شهر خود و شهرهای دیگر را بهتر ببینند که همه این‌ها در یک جمله، موجب تجربه‌اندوزی آنان می‌شود. همچنین اگر بپذیریم که ادبیات داستانی بستری است برای انعکاس تجربه‌ها، گمان می‌کنم بهترین رفتار در تعطیلات نوروز توجه دادن بچه‌ها به داستان‌نویسی و داستان‌خوانی است.

◀ **به نظر شما، از نظر کیفی چه مشکلات، عوارض و آسیب‌هایی می‌تواند اجرای موفق طرح را تهدید کند؟**

نخستین آفتی که بر سر راه اجرای این طرح وجود دارد، تبدیل شدن فعالیت‌های مرتبط با طرح به یک تکلیف درسی یا مدرسه‌ای اجباری است. اگر چنین اتفاقی بیفتد، نه تنها تأثیر مثبتی نخواهد داشت، بلکه تأثیرات منفی هم به دنبال دارد که از آن جمله، دلزده کردن بچه‌ها از مفهوم مطالعه و رویگردان شدن از کتاب است، بنابراین به هیچ وجه نباید آن را به تکلیف درسی تبدیل کرد. علاوه بر آن، آفت دیگری که بر سر راه طرح وجود دارد این است که در هر صورت قرار است بچه‌ها کتاب

بخوانند، کتاب تهیه کنند و احیاناً کتاب بخرند؛ در این میان اگر شرایطی فراهم شود که عده‌ای با توجه به منافع شخصی وارد بشوند و امتیازهایی را برای خودشان و دیگران آماده کنند و از این طریق کتاب‌های نامناسبی را به بچه‌ها برسانند، باز آفتی خواهد بود. در این صورت صرفاً کتاب‌هایی به بچه‌ها فروخته خواهد شد که به انحای مختلف، ارزش و کیفیت لازم را ندارد و فقط منفعت و سودی را برای برخی از ناشران همراه می‌آورد. به هر حال، این اتفاق خوبی نخواهد بود. مشکل دیگر این است که این فعالیت، بدون آگاهی، آموزش و زمینه‌سازی مناسب صورت گیرد. یعنی ما می‌توانیم در اولین نگاه، فرض را بر این بگذاریم که معلم کتابی را به بچه‌ها معرفی کند و بگوید این کتاب را بخوانید و خلاصه‌نویسی کنید و یا مثلاً درباره‌اش چند سطر بنویسید. ممکن است این تبدیل بشود به یک فعالیت شاق و در ردیف تکالیف درسی قرار گیرد. بنابراین، توجه ویژه به آموزش‌ها و توجهات لازم قبل از اجرای طرح لازم است؛ اعم از آموزش معلمان و مربیان برای اجرای طرح، انگیزه بخشیدن به بچه‌ها برای مشارکت در طرح، و از همه مهم‌تر، تعریف کردن فرایند

مناسبی که در آن بشود کتاب‌های مناسبی را برای بچه‌ها به شکل درست معرفی کرد و در اختیارشان قرار داد. آن موقع می‌توانیم امیدوار باشیم که طرح، بازده لازم را داشته باشد.

طرح مکمل

◀ **شما قبل از اجرای طرح، در نامه‌ای به خانم دکتر حکیم‌زاده معاون آموزش ابتدایی، پیشنهاد داده بودید که با توجه به تجربیات خود، در این طرح، در زمینه معرفی کتاب‌های مناسب، کمک و همکاری داشته باشید؛ برخورد و استقبال با برنامه پیشنهادی شما چگونه بود؟**

ما طرحی را آماده کردیم، که شامل فرایندی بود که بچه‌ها کتابی را می‌خوانند، و بعد در دو سه خط می‌نوشتند که من کتاب فلان را خواندم، اسم نویسنده‌اش این است. شناسنامه کتاب این است، تصویر گرش فلان کس است؛ و اینکه من از این کتاب خوشم آمد یا بدم آمد. و در آن برگه، علامت می‌زدند و بعد می‌نوشتند که بعد از خواندن این قصه، من هم تصمیم گرفتم یک قصه بنویسم و در یک صفحه کوچک قصه کوتاهی را می‌نوشتند. بنابراین بود که در اولین روز بعد از تعطیلات، بچه‌ها برگه‌هایی که نوشته بودند را به کلاس بیاورند و با یکدیگر ردوبدل کنند. یعنی هر دانش‌آموزی برگه دانش‌آموز کناری خود را بگیرد و قصه همدیگر می‌خوانند و مجدداً در چند سطر توضیح می‌دادند که من قصه دوستم را خواندم، از این قصه خوشم آمد، یا بدم آمد، چون نقد چندخطی خود را در آن برگه می‌نوشتند. به این ترتیب، بچه‌ها یک داستان و یک کتاب می‌خوانند، یک قصه می‌نوشتند، یک کتاب نقد می‌کردند و یک

حذف پیک‌های نوروزی، اتفاق خجسته‌ای است که باید از آن حداکثر استفاده را کرد

ادبیات داستانی، بستری برای انعکاس تجربه‌هاست

نقد داستان درباره کار دوستشان را ارائه می‌کردند. این فرایند، کلاً در چهار صفحه و در واقع چهار نیم‌برگ A4 جا می‌شد. ما این طرح را خدمت خانم دکتر حکیم‌زاده فرستادیم. ایشان مطالعه کردند و از ما دعوت کردند که حضوری هم توضیح دادیم. از موضوع استقبال کردند ولی گفتند با توجه به فرصت اندکی که تا پایان سال مانده امکان دارد نتوانیم این طرح را برای نوروز ۹۷ اجرا کنیم. به این خاطر قرار شد که سال آینده، با هم‌آهنگی‌های قبلی، زمینه‌های اجرایی آن را فراهم سازیم. من با توجه به این که هم‌اکنون نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در حال برگزاری است، جا دارد به این نکته هم اشاره کنم که طی دو روز گذشته، با آقای نیک‌نام حسینی مسئول خانه کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز گفت‌وگویی داشتیم، و ایشان هم از طرح ما استقبال کردند و قرار شد که یک جلسه ویژه با یکدیگر در رابطه با این موضوع داشته باشیم و بیشتر صحبت کنیم. شاید در سال ۹۷، به لطف خدا، این امکان فراهم شود که پروژه با همکاری آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و خانه کتاب قابل اجرا باشد.

تبدیل شدن فعالیت‌های مرتبط با طرح به یک تکلیف درس، یک آفت است

طرح جایگزین پیک‌های نوروزی را به هیچ وجه نباید به تکلیف درسی تازه‌ای تبدیل کرد

تفاوت‌های ماهوی

آقای شاه‌آبادی! به نظر شما، کتاب مناسب چه نوع کتابی است؟ به خصوص برای دوره سنی بچه‌های دبستانی، و به‌ویژه در عرصه قصه و داستان شما

چه کتاب‌هایی را مناسب می‌دانید؟

نخستین ویژگی کتاب مناسب برای کودکان این است که ناظر بر تفاوت‌های ماهوی کودکان با بزرگسالان باشد. بعضی اوقات ما فکر می‌کنیم که کودکان همان بزرگسال‌های رشدنیافته‌اند؛ یعنی تفاوتشان با بزرگسالان صرفاً در اندازه و کمیت است. اگر این‌طور فکر کنیم معلوم است که خواهیم گفت هر کتابی که برای بزرگسالان مناسب است اگر خلاصه شده و کوتاه شود، برای بچه‌ها هم مناسب خواهد بود. بسیاری از کتاب‌هایی که امروز برای بچه‌ها منتشر می‌شوند، از جمله کتاب‌های بازنویسی متون کهن، بر این اساس تولید و منتشر می‌شوند. بنابراین، باید اول کتاب به علائق و سلیق و درک و نوع نگاه جهان‌شناختی کودکان توجه داشته باشد. اگر چنین باشد می‌توانیم بگوییم که کتاب گامی به طرف بچه‌ها برداشته و به آن‌ها نزدیک شده است. بعد از آن، رعایت اصول فنی داستان‌نویسی، و رعایت اصول ژانر است.

این نکات که شما مطرح می‌کنید یک سؤال را به ذهن می‌آورد که مگر نباید ما با قصه و داستان و ادبیات بچه‌ها را رشد بدهیم و آن‌ها را به جلو ببریم، نه اینکه آن‌ها را در همان دنیای کوچک کودکانه‌شان نگاه داریم؟

ما باید با زبان خودشان و با دنیای خودشان با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم. بحث، نگاه داشتن آنان در یک دوره نیست. بحث، در واقع، ورود به دنیای آنان است؛ دنیایی که دنیای آن‌هاست و ما باید بشناسیم. استفاده از تصاویر مناسب، تصاویری که ارزش هنری داشته باشند و در عین حال، به بچه‌ها، زبان تصویر را آموزش بدهند. امکان تصویرخوانی را برای آنان فراهم کنند و بعد از آن، می‌رسیم به نکاتی مثل کاغذ، مقوا و نوع صحافی که باید خوب و مناسب باشد.

سه فعالیت خوب

با توجه به تجربیات خود و شرایط سنی کودکان، از سه فعالیت داستان‌خوانی، داستان‌گویی و داستان‌نویسی، کدام‌یک را مفیدتر، عملی‌تر و خلاق‌تر می‌دانید؟

هر سه خوب هستند؛ هر سه در واقع، در کنار همدیگر می‌توانند قرار بگیرند. من اجازه می‌خواهم به آن‌ها نقد داستان را هم اضافه کنم و آن‌ها را به چهار فعالیت افزایش دهم. منظورم از نقد کتاب، نقد فنی، آکادمیک و حرفه‌ای نیست؛ بلکه نظرم این است که بچه‌ها بتوانند نظر خود را درباره داستانی که خوانده‌اند بدهند؛ حرف بزنند و آن را تحلیل کنند. نقد به‌عنوان فرایندی برای فهم بهتر اثر مدنظر ماست. اگر این اتفاق بیفتد، بسیار خوب خواهد بود. رجوع به داستان و داستان‌خوانی، قوه تخیل بچه‌ها را پرورش می‌دهد و قوه تخیل می‌تواند پایه و اساس همه فعالیت‌های درسی باشد. نقل می‌کنند که کسی نزد اینشتین آمد و از او خواست به او بگوید برای اینکه بچه‌اش موفق شود، چه بکند. اینشتین به وی گفت که برای بچه‌ها داستان‌های پریان را بخوان. او گفت که من این کار را می‌کنم، بعد از آن چه کاری بکنم؟ باز گفت داستان‌های پریان را برایش بخوان. دوباره پرسید بعد از آن چکار کنم، اینشتین باز جواب داد داستان پریان را برایش بخوان! این روایت نشان می‌دهد که ما باید بتوانیم از بحث پرورش تخیل کودکان بیشترین استفاده را بکنیم. گمان می‌کنم اگر بپذیریم ادبیات داستانی محملی برای انتقال تجربه و زندگی است، بهترین راه برای مواجهه فرزندانمان با واقعیت‌های زندگی، خواندن داستان و آفرینش داستان است.

آثار مثبت کتابخوانی

شما آثار مثبت و مفید کتابخوانی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی را چه می‌دانید؟

در دوره ابتدایی، کودکان اولین مواجهه‌های خود با زندگی را تجربه می‌کنند. برای فهم دنیا تلاش می‌کنند. این فهم را به شیوه‌های مختلفی می‌توانند به دست بیاورند و غیرقابل انکار است که این فهم می‌تواند تا سال‌ها همراه آن‌ها باشد و چه‌بسا تا پایان عمر هیچ تغییری نکند. بنابراین، شکل دادن به این مواجهه‌های اولیه بسیار مهم است. اینکه ما بچه‌ها را از چه طریقی با دنیا آشنا می‌کنیم و این آشنایی اولیه از آن‌ها چطور آدم‌هایی خواهد ساخت؛ آیا آن‌ها دنیا را مجموعه‌ای سرد، بی‌روح

دارند و امکان دیدن همه چیز از بالا را دارند انسان‌های صورت‌تر و بزرگوارتری می‌شوند و امکان ایستادگی بیشتری در مقابل مشکلات دارند و به همین ترتیب، می‌توان جلو رفت و دید که چه ویژگی‌ها و امتیازات خاصی با مطالعه، نصیب کودکانمان می‌شود.

طرح «عید و داستان»

نباید بدون آگاهی

مناسب، آموزش لازم و

زمینه‌سازی انجام شود

با مسئول خانه کتاب

وزارت ارشاد هم در

زمینه طرح خود صحبت

کردیم که از آن استقبال

کردند

◀ به‌عنوان آخرین سؤال، نقش ناشران در اجرای خوب و قوی طرح «عید و داستان» به جای پیک‌های نروزی، چه می‌تواند باشد؟

اگر ناشران، اجرای چنین طرحی را صرفاً زمینه‌ای برای کسب سود و منفعت مالی ببینند و با این هدف جلو بروند قطعاً موفق نخواهند بود. آن‌ها در شرایطی می‌توانند موفق باشند که به اجرای بهتر طرح و

مشارکت در ارائه یک ایده مناسب، عمیق و تأثیرگذار فکر کنند و نگاه سوداگرانه نداشته باشند. اگر چنین رفتاری داشته باشند قطعاً می‌توانند در این زمینه موفق باشند.

و در واقع، خالی از هر نوع معنویتی می‌بینند و اینکه افراد فقط باید دنبال منافع شخصی باشند و برای رسیدن به این منافع شخصی دست به هر عملی بزنند یا اینکه نه، دنیا را به مراتب متفاوت‌تر، بزرگ‌تر و عمیق‌تر می‌بینند. دنیایی می‌بینند که در آن معنویت می‌تواند جایگاه ویژه‌ای داشته باشد و در این جایگاه معنوی، اصول ارزشی به گونه‌ای شکل می‌گیرد که از فرزندان ما انسان‌های پاک‌تر و سالم‌تری می‌سازد؛ آدم‌هایی می‌سازد که در واقع، در زمین، به شکل عادلانه‌تری رفتار می‌کنند و دست به فساد نمی‌زنند. این خیلی مهم است که ما چطور بچه‌ها را در اولین مواجهه‌هایشان با زندگی شکل می‌دهیم. قطعاً در چنین شرایطی، کتاب خیلی می‌تواند مؤثر باشد و تصویر اولیه زندگی را به بچه‌های ما بدهد. علاوه بر این کتاب کمک می‌کند که آن‌ها مهارت‌های مختلفی را به‌دست بیاورند. به‌عنوان مثال، بچه‌هایی که کتاب می‌خوانند خیلی بهتر حرف می‌زنند؛ خیلی بهتر امکان بیان اندیشه‌های خود را پیدا می‌کنند؛ گنجینه لغات عمیق‌تری را پیدا می‌کنند، می‌توانند درباره موضوعات مختلف بحث کنند و هر حرفی را به راحتی نمی‌پذیرند و ذهن استدلالی پیدا می‌کنند. این‌ها به دلیل فهم بیشتر و بهتری که از دنیا

